

# نشریه پیام دانشجوی

ارگان رسمی دانشجویان دانشگاه تهران  
وابسته به جبهه ملی ایران

جمعه دوازدهم مردادماه ۱۳۴۱

د نظر بدان اصل اصیل که هر يك از افراد اهالی مملکت در تصویب و نظارت امور عموم علی قدر مراتبهم محق و سهمینند تشخیص و تعیین اعضاء مجلس را با انتخاب ملت محول داشتیم ؛

## چهاردهم مرداد

با فرارسیدن روز ۱۴ مرداد خاطره قهرمانیها و دلوریهای جانبازان فداکار صدر مشروطیت در دلها زنده میشود و هر سال شکوه و جلال این فداکارها و شجاعت و روشن بینی و آگاهی انقلابیان مشروطه خواه تحسین و احترام بیشتری را بر سر میانگیزد انقلاب مشروطه ما بیهمة ایرادها و اشکالهایی که بر آن میکشیدند ، نمودار عصیان همه مردم علیه زور و قلدری و نشاندهنده رشد فکری و سیاسی فاطمه ملت ماست در آن زمان مردم ایران با استشعار نسبتا کاملی دریافته بودند کار ساختن ایران آباد بمردان آزاد و آزاده نیازمند است و با وجود رژیم استبدادی زندگانی آزاد ممکن نیست ، دیکتاتوری افراد ملت و جماعت را به پستی و منزلت می کشاند و تمامی اصول و مبانی اخلاقی و انسانی را از میان میبرد .

بقیه در صفحه بعد

# پس از دو سال از شروع دوره جدید نهضت ملی

دو سال از دوره جدید مبارزه ملت ایران در سنکر جبهه ملی علیه استبداد و متجاوزین به حقوق ملی میگذرد و همه کوشش برای استقرار حکومت قانونی بکاررفته است . در این دو سال ملت ما تجربیات زیادی را در مبارزه بر تجربیات گذشته خود را افزوده است .

در دو سال پیش رهبران ملت سکوت هفت ساله را شکستند و با آغاز کار دوره جدید زنگها را برای هیئت حاکمه بار دیگر بعدا در آوردند . و بدنبال آن ملت پشتیبانی صمیمانه ای از رهبران خود نمود که تظاهرات خیابانی زمستان ۳۹ و متینگ باشکوه ۲۸ اردیبهشت در جلالیه بهترین شاهد و نمودار این مدعا بود .

در این دو سال از نظر سیاسی بدون تردید ملت سنکرها را از چنگ هیئت حاکمه بیرون آورد . و هیئت حاکمه را در نقطه نائابتی از دوران سیاه خود قرار داد . مطالعه حوادث و وقایع و سیر نهضت در دو سال اخیر در سهای زیادی را برای ما آموزد که برای ادامه مبارزه و پیروزی نهائی توجه بآنها حیاتی است . در اینجا قسمتهائی بطور فهرست آورده شده و در آینده شاید بتوان پیرامون آنها بیشتر بحث نمود .

۱ - دو سال مبارزه اخیر با آنها که خوشبین تر بودند یکبار دیگر نشان داد که حکومتی که ثروت ملی ما را بتاراج داده و هشت سال صداها را در گلو خفه کرده و دستش بخون جوانان ما آغشته است برای حفظ قدرت چابرا نه خویش از هیچ جنایتی فروگذار نخواهد کرد حتی اگر بقیعت از میان رفتن جان و مال ملتی تمام شود

۲ - این تصور که نهضت بدون مبارزه شدید و جدی میتواند پیروز شود و یا دستگاه با سانی تسلیم میشود - دستگاهی که سالها برای ادامه غارت خویش جنایت نموده بسیار سطحی است . ما مبارزه آشتی ناپذیری را با متجاوزین به حقوق ملت آغاز کرده ایم و پیروزی در این مبارزه بفاکاری بیشتری احتیاج دارد

۳ - برای پیروزی و عملی کردن هدفهای انقلاب مشروطه که واردین و ادامه دهندگان آن مائیم - باید هر چه وسیع تر بسیج ملی را عملی کنیم و این اقدام احتیاج به تشکیلات منظم و صحیح دارد . و باید در ایجاد تشکیلات هر چه وسیع تر و هر چه منظم تر بکوشیم . و با این ترتیب است که توانسته ایم اتحاد و ارتباط هر چه بیشتر میان مردم و بدینوسیله پیروزی نهضت را تضمین نمائیم . بسیج نیروئی که مابقوه وجود دارد و در دوره جدید مبارزات استقبال شایسته ای از جبهه ملی و مبارزات بگیر آن نموده

این مقاله از شماره مخصوص ۲۹ خرداد که بملت فشار دستگاه استبداد منتشر شد نقل میشود

## تعطیل دانشگاه

بعد از ظهر ۲۸ خردادماه دستگاه فاسد حاکمه با قراردادن پلیس در مقابل درهای دانشگاه مانع از ورود دانشجویان بداخل محوطه دانشگاه و دانشکدهها شد و این اقدام بدنبال نصب شعار های مربوط به «خلع ید» در داخل محوطه دانشگاه در صبح آنروز و قصد برگزاری جشن خلع ید از طرف دانشجویان در روز ۲۹ خرداد صورت گرفت .

هر چند از بدو گشایش مجدد دانشگاه هیئت حاکمه استبدادی خیال بستن دانشگاه را در سر داشت و در این باره اغلب مقامات مسئول دانشگاه اظهار اطلاع مینمودند و نیز بدنبال اعلام یکدرجه ای بودن

امتحانات مکرر مقامات دانشگاهی به تعطیلات دو ماهه تابستان و تعطیل دانشگاه اشاره نموده بودند ولی شعار زنده « و راستانه یازدهمین سالگرد خلع ید به مصدق پیشوای ضد استعمار در ایران درود میفرستیم » در سر دانشگاه و شعارهای دیگری که در روی پارچه

## VIOLENCE AND BLOODSHED INSIDE THE UNIVERSITY

Iranian  
police  
and soldiers  
repress  
Teheran  
students  
demonstrating  
for political  
freedom

### خشونت و خونریزی در دانشگاه

این تیتیر مقاله ایست که در مجله «استیودنت» مجله بین المللی دانشجویان پیرامون جنایات اول بهمن در دانشگاه تهران درج شده است .  
دانشجویان جهان بدینگونه جنایات هیئت حاکمه مفتضح ایران را محکوم میکنند

# دکتر مصدق پیشوای زندانی ملت را آزاد کنید

## مشکل دانشجو

وقایع شرم آور بهمن ماه دانشگاه تهران وحمله وحشیانه قوای انتظامی به دانشجویان و ودانش آموزان بی پناه بار دیگر پس از سالها اختناق و خاموشی توجه عموم را بمشکلات و ناراحتیهای طبقه جوان و تحصیل کرده در این مملکت معطوف نمود.

در دنیا این وقایع تکان دهنده که حتی در قرن وسطی نیز نظیر آن از لحاظ سببیت و قساوت کمتر یافت میشود پیرامون مشکلات جوانان افکار و نظریاتی در جرائد و معارف مختلف علمی و ادبی منعکس گردید که جز مغشوش کردن اذهان عمومی وانحراف توجه مردم از تشخیص علل واقعی ناراحتیها و نگرانیهای طبقه دانشجو و دانش آموز در این مملکت نتیجه دیگری در بر نداشته است .  
وشاید هدف اصلی نیز ایجاد همین اغتشاش

فکری و تشتت آراء بین مردم بوده است .  
مغرضین کوشیده اند که با قلمفرسائیهای دستوری وقایع رافع و رجوع نموده و ضمن توجیه وضع موجود تقصیر را بگردن جوانان و یا دستجات افراطی چپی و راستی بیاندازند .

پیش کسوتان به پند و اندرز دادن به جوانان و وعده ای ازدانشگاهیان «ودانشمندان» به تجزیه و تحلیل تخیلی جنبه های سطحی و عوارضی روانی مشکلات طبقه جوانان و تحصیل کرده پرداخته و سعی نموده اند بدون اینکه بایک رویه صحیح علمی و بایک نظر صادقانه به کنه مطلب و علل واقعی و اساسی توجه کرده باشند مسائل راحل و فصل کنند .

وزیر بیسواد فرهنگ و عمال کثیف اوراه آسانتر فحاشی و بی احترامی به دانشجویان داخل و خارج از کشور را در پیش گرفته اند .

اینکه اموردانشجویان و دانش آموزان بصورت «مشکل» حاد و بفرنجی درآمده و هر کس بر حسب منافع و سلیقه و سنخ فکری خود راهی را برای حل آن پیشنهاد مینماید چیزی جز انعکاس محسوس تری از وضع نابسامان و آشفته اجتماع مانیت قدر مسلم آنکه مشکل طبقه تحصیل کرده در ایران بمشکلات اساسی تراجماع ما ارتباط نزدیک و غیر قابل تفکیک دارد و تنها در این زمینه کلی اجتماعی و در سایه ذرک صحیح مسائل اساسی تر سیاسی و اقتصادی در ایران است که میتوان «مشکل» جوانان تحصیل کرده را درک نمود و بموجبات و علل واقعی آن پی برد . بنابراین به گرفتاریها و ناراحتیهای این دسته از افراد اجتماع نباید صرفاً از نظر امور اداری و صنعتی نگاه نمود چنانکه در گذشته نیز بر نامه هائی که بمنظور اصلاح و بهبود وضع دانشجویان و دانش آموزان پیشنهاد گردید چون فاقد یک دید کلی و دوراز واقع بینی بود و بکلیه جهات و جوانب امر توجه نگردیده بود نه تنها گره ای از مشکلات آنان باز نتمود بلکه با وضع و مقررات غلط و ارباب و تخویف دانشجویان و مداخله علنی در امور شخصی آنان بر عصیان و ناراحتیشان افزوده شد .

اگر قبول نمایم که مشکل دانشجو و دانش آموزان نمیتوان از مشکلات و مسائل عمیق تر جامعه ایرانی مجزا کرد به این نتیجه منطقی خواهیم رسید که ریشه مشکلات طبقه جوان و تحصیل کرده از تضادهای شدید سیراب میشود که بین افکار و امیال و توقعات مردم از یکطرف و واقعیات تلخ محیط سیاسی و اقتصادی و اجتماعی آنان از طرف دیگر وجود دارد . و طبیعتاً تضادهای موجود که دال بر بیداری و نارضایتی عمومی است در میان آمده از نسل جوان که علیرغم محیط مختنق و پلیسی ایران توانسته اند فکر و قوه تمیز خود را تقویت نموده و معلوماتی کسب نمایند و بحقوق خود آگاه شوند تجلی و اثر بیشتری دارد . در اینجا بمنظور روشن نمودن کیفیت این تضادها و تفهیم عواملی که در سالهای اخیر به آتش مشکلات نسل جوان دامن زده است تضادهای موجود را از سه جنبه اساسی سیاسی و اقتصادی و اخلاقی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل اجمالی قرار میدهم .  
تضاد سیاسی

تضاد و شکاف موجود بین توده و مردم و مخصوصاً عناصر روشنفکر و آزاد بخواه آن و دستگاه حاکمه در ایران پدیده تازه ای نیست . مبارزات تاریخی نیم قرن اخیر ملت ایران بخاطر احراز آزادی و ایجاد عدل و انصاف و استقرار حکومت مشروطه بخوبی ریشه تاریخی این تضاد را با ثبات میرساند . منتهی تحولات و تغییراتی که در ظرف سالهای اخیر در صحنه اجتماعی ایران پدیدار شده بشدت این تضاد و اصطکاک سیاسی افزوده است .

## دو سال پس از شروع ...

۴- ما نباید موقعیت ملت خود را فراموش کنیم . مبارزه ما یک مبارزه ضد استعماری و استقلال طلبی است . مبارزه برای کسب آزادی و استقرار حکومت ملی است . این مبارزه با مبارزات احزاب پادولتها که در کشورهای پیشرفته و دمکرات جهان جریان دارد قابل مقایسه نیست مبارزه ما پاهیت حاکمه با مبارزات حزبی که در کشورهای پیشرفته اروپائی و امریکا وجود دارد از نظر اصول و منشاء باهم تفاوت کلی دارد و اصولاً دو چیز جداست . ما برای کسب استقلال و آزادی مبارزه و آنها استقلال و آزادی را بدست آورده اند و حال هر کدام برای پیشرفت ملتشان مدعی داشتن برنامه مترقی تری هستند . بهمین دلیل است که باید شکل مبارزه را با تطبیق با امکانات ملت و موقعیت کشور ب آزمونه اهکال مبارزات ملت های پیروزمند جهان در مبارزات ضد استعماری نظیر هندو الجزایر و اندونزی انتخاب کرد .

چه نمونه مبارزات احزاب اروپا و امریکا پادولت های مسئول در کشورهای توسعه یافته جهان برای کشورهای پیشرفته و از قید استعمار رسته قابل اجراء است نه برای کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره نظیر ما . مادر شرایط حکومت استبدادی مبارزه می کنیم و آنها در شرایط دمکراسی .

۵- دو سال گذشته بن بست اجتناب ناپذیر دستگاه حاکمه نمایان تر میساخت اجبار دستگاه به تعویض نقشهای خود و هر روز برنگی در آمدن حساب او و ترس از نیروی ملت و در طرف دیگر جریان لزوم کوشش وسیع تر و خستگی ناپذیر تر ما را برای استفاده از چنین موقعیت هائی نشان میداد .

۶- در این مبارزه غافل از تبلیغات مختلف دشمن نباید بود . و در عین حال باید انتشارات و تبلیغات خود را بمنظور آگاه نمودن توده های وسیع تری از مردم و آماده ساختن و بسیج آنها توسعه بخشیم و نباید فراموش کنیم که تنها حقانیت یک موضوع کافی نیست که همه مردم را متوجه جریان نماید بلکه توجه به تبلیغات در این زمینه کار اساسی است .

۷- این دوره از مبارزه نشان داد که برای پیروزی نهائی باید بیشتر بکارهای عمیق و اساسی تشکیلاتی و تعلیماتی کوشید و توجه داشت تا پیروزی های آتی و زود گذر و باید مبارزه را عمیق تر از آنچه ممکن است فکر کرد و بحساب آورد و کوشید تا همه این حقیقت را بخوبی درک کنند . چون ما تنها تا بدست آوردن حکومت مبارزه نمی کنیم . ما باید از آن مبارزات وسیع تر و جدی تری برای ما لازم است .

۸- دانشگاه در این مبارزه بزرگ وظایف بسیار سنگینی را بعهده دارد که اسم آن سازمان دادن قشرهای مختلف مردم و روشن نمودن و تعلیم اساسی آنهاست و بالاخره نقش اساسی و اصلی در ایجاد یک تشکیلات بزرگ . اینست که مسئولیت های دانشگاه در این مبارزه با نجا ختم نمیشود که ساختمان تشکیلاتی خود را محکم نماید بلکه ارگانیزه کردن مردم از وظایف و مسئولیت های اولیه دانشگاه محسوب میشود . و قدرت عمل با آگاه نمودن همه طبقات و بمیدان آمدن آنها بدست تشکیلات خواهد افتاد

۹- بی شک در این دو سال کارهای ماتوام با نواقص و اشکالاتی بوده که اهم آن معلوم حکومت استبدادی و نیز معلول شروع بکار و دامنه وسیع مبارزه و قلت وسائل اساسی تعلیماتی بود و در آینده باید جبران شود . کادرهای وسیع تری از نیروی بالقوه مردم بالفعل درآید . همان مردمی که بجهت ملی و رهبران خردمند آن ایمان دارند و فاداری خود را نسبت بانها و هدفهای نهضت مقدس ملی بارهانشان داده اند

# زندانیان جبهه ملی را آزاد کنید

## بقیه مشکل و دانشجو

شروع جنگ بین الملل دوم و حمله نیروهای متفقین به ایران موجب شد که اختناق ورکودی که حیات اجتماعی و سیاسی ایران را در سالهای قبل از جنگ در خود فراگرفته بود بکلی منقلب کند

مرزهای بسته ایران بطور بیسابقه ای بدنیای خارج باز شد. تبلیغات نیروهای اشغالی از راه نشریات و رادیو و تماس نزدیک مردم با آنها و به موازات آن و پیدایش و فعالیت احزاب مختلف سیاسی و پیشرفتهای که در وسائل ارتباط و تبلیغات و مسافرت و همچنین بسط سریع مدارس و گسترش شهرها و افزایش طبقات پیهور و تاجر و خورده تاجر و کارمندی و شاغلین مشاغل عالی و حرفه ای و بالاخره سیل محصل و سیاح به کشورهای خارجی همه جنب و جوش تازه ای در بین مردم بوجود آمد و گوئی ملت کهنسالی را از خواب هزارساله ای بیدار کرد و بحرکت انداخت.

ملت ایران و بخصوص طبقات بیدار متوسط شهرنشین تحصیل کرده دیگر حاضر نشدند عقب افتادگی و فقر ظلم و بیعدالتی اجتماع خود را امری طبیعی و غیر قابل علاج تلقی کرده و یوغ حکمرانی طبقه فاسد و نالایق حاکمه ایران را که مسئول عقب افتادگی و ظلم و بینوائی عمومی را بگردن گیرند و از دور شاهد اعمال خود سرانه و ضد ملی آنان باشند حاصل این تحولات و بیداری های جبری این بود که طبقات بصیر و تحصیل کرده ایران بر آن شونده که در امور سیاسی مملکت یعنی در سر نوشت زندگی خود دخالت نمایند و مشروطه و ملی را جانشین حکومت استبدادی و فردی نمایند. طبقه حاکمه نیز برای مقابله با این تحولات اجتماعی و نهضت هوشیاری عمومی و به خاطر حفظ موقعیت و امتیازات نامشروع خود و با تشبیه بوسائل جدید تبلیغاتی و اتکاء به قدرتهای استعماری خارجی بسر کوبی عناصر آزادخواه و مترقی کمربست و کوشش خود را در سایه اختناق و تفتیش و تشتت افکار عمومی با نهضتی که به خاطر احقاق حق ملت بوجود آمده بود و منافع نامشروع آنان را تهدید مینمود مبارزه نماید. در پیغرو این نهضت ملت و بعنوان وجدان اجتماعی که اکثر از طبقات محروم و غافل کارگر و زارع تشکیل گردیده است طبقه روشنفکر و تحصیل کرده قرار گرفت و برای پیشبرد ملت ایران در مدتی کوتاه نتایج شگرفی بیار آورد ولی با طرد و سرکوبی این طبقه و قطع دست آنها از امور مملکت داری فاصله و تضاد بیسابقه ای بین دولت و ملت بوجود آمد. شک نیست که تضاد و فاصله موجود بین دولت و ملت و محرومیت های سیاسی که در طبقات مختلف بصورت یاس و بدبینی و مقاومت منفی و در طبقه جوان و محصل به صورت مبارزه علنی و روحیه انقلابی و طغیان جلوه گر شده و سرچشمه بسیاری از مشکلات سیاسی و اجتماعی امروز ایران است و مسئله دانشجو نیز از این سرچشمه آب میخورد و تا زمانیکه حکومت فردی و قلدری ادامه دارد و نایندگان واقعی و طرف اعتماد مردم در امور سیاسی سهم اساسی نداشته باشد و ملت ایران از آزادیهای اجتماعی و فردی و شرکت در حکومت محروم بماند مسئله دانشجو بشکلی که برای دستگاه حاکمه فعلی مطرح است از میان نخواهد رفت.

### تضاد اقتصادی

وقایع و تحولاتی که بعد از جنگ بین المللی دوم در ایران بوقوع پیوست نه تنها وجدان سیاسی مردم را بیدار نمود و رکود و خمودگی دوره های ماقبل را ناحدی از بین برد بلکه در حیات اقتصادی ایران نیز اثرات محسوس بجا گذاشت

ولی متأسفانه این تغییر و تحولات اقتصادی طوری نبود که بیالابدن سطح زندگی و رفاه عمومی منجر شود و با وجود ملی شدن صنعت نفت و درآمد هنگفت حاصله از آن و همچنین کمکهای فراوان اقتصادی و وامهای سنگین خارجی فقط اقلیت محدودی توانستند از فرصتها و امکانات تازه اقتصادی بهره مند شوند و قاطبه مردم را نصیبی از این گسترشهای اقتصادی عاید نگردید.

بالعکس مداخلات منفعت جو یانه و فساد طبقه حاکمه و محرومیت های نسبی زارع و کارگر و کارمند و پیشه ور و فرهنگی را تشدید نمود و اختلافات طبقاتی را در اجتماع مابطرز بیسابقه ای بزرگتر نمود و اختلافات طبقاتی را در اجتماع مابطرز بیسابقه ای بزرگتر نمود بطوریکه اغنیا نسبتاً غنی تر و فقرا نسبتاً فقیرتر شدند

بموازات هوشیاری مردم و تماس آنان با مردم سایر کشورها که بدان اشاره شد در مردم نیز یک نوع «انقلاب توقعات» بوجود آمد و بالتبقیه مردم دیگر حاضر نشدند به فقر عمومی و محرومیت های اقتصادی خود سر تسلیم فرود آورند زیرا تا مین ما به احتیاج اولیه زندگی برای مردمی که در عصر اتم زندگی میکنند طبیعی ترین توقعات بشمار میرود

پدیده انقلاب توقعات کم و بیش معلول همان عواملی بود که موجب بیداری و تحریک سیاسی مردم گردیده بود. اختلاف شدید طبقاتی در داخل ایران از طرف دیگر فساد و سود جوئی و عدم لیاقت دستگاه حاکمه نیز در تشدید این تضاد اقتصادی و عدم هم آهنگی بین آنچه که مردم انتظار داوند و آنچه که واقیات محیط ایران ایجاب مینماید نقص عمده را بعهده داشت، در حالیکه دامنه خواسته ها و احتیاجات مردم دائم افزوده شده است منابع مالی و طبیعی و انسانی کشور دستخوش چپاولگری وحیف و میلها و برنامه گذار بهای غلط دستگاه حاکمه قرار گرفته است، در نتیجه فقر عمومی را گردش بطنی چرخ اقتصادی همچنان بحال خود باقی گذارده است

در اجتماع امروز ما طبقه دانش آموز و دانشجو شدت این فقر عمومی و محرومیت های اقتصادی را از همه بهتر حس میکند دستگاههای فرهنگی ما آنرا برای اعاشه و کسب روزی آماده نیسازد و امکانات اقتصادی کشور نیز آماده جذب و پذیرش آنها نیست.

برای رفع بیکاری و اشتغال جوانان فارغ التحصیل لازم است سالی هزاران شغل جدید در ایران بوجود آورده شود و مسلمانان زمانیکه چرخ اقتصادی این مملکت بحرکت نیفتند فرصت های مناسبی برای اعانه و کسب روزی برای جوانان فارغ التحصیل فراهم نیآورد تضاد اقتصادی موجود ادامه خواهد داشت و هر سال بر مقدار جوانان بیکار افزوده خواهد شد و بیقراری و ناراحتی آنان کماکان بصورت حاد فعلی خود باقی خواهد ماند.

### تضاد اخلاقی

مشکلاتی را که محرومیت های سیاسی و اقتصادی

برای نسل جوان و تحصیل کرده پدید آورده و تزلزل اخلاقی موجود پدید آورده تر و حادتر کرده است شک نیست که تغییر و تحولات سریع سالهای اخیر و نفوذ تمدن غربی و بخصوص تاثیر فرهنگ اروپائی و امریکائی که سفرو تحصیل در خارج بگسترش آن کمک نموده است شیرازه و نظم اجتماعی کشور کهنسال ما را دگرگون ساخته است، از قوام و نظم قدیمی اجتماع و اصول اخلاقی متکی بآن در بسیاری از نقاط کشور دیگر اثری نیست ولی هنوز اصول اخلاقی تازه ای که با کیفیات و خصوصیات فرهنگ و تمدن ایرانی وفق دهد و مورد تایید و رعایت قاطبه مردم باشد بوجود نیامده است در حالیکه ارزشهای اخلاقی و آداب و رسوم که زائیده شرائط خاص اجتماعی و اقتصادی ایران قدیم بوده است هنوز در میان پدران و مادران نسل سالخورده طرفدار فراوان دارد نسل جوان از آن ارزشها رو برگردانده است زیرا که اخلاقیات و آداب و رسوم قدیمی دیگر جوابگوی احتیاجات آنان نیست. از یکسو پایه های اجتماعی و اقتصادی آنها که اصول اخلاقی قدیم بر آن استوار بود دائم در حال تغییر و تحول است و از سوی دیگر قدرتهای ارتجاعی و طرفداران ابقاء وضع موجود میکوشند که اصول مذهبی و اخلاقی قدیم را بصورت خرافاتی و ناقص خود حفظ نمایند و بدینصورت از سیر جبری اجتماع که خواه و ناخواه با آزادی مردم منجر خواهد شد جلوگیری نمایند.

نتیجه این کشمکش و سر سختی طبقه حاکمه هرچ و مرج اخلاقی موجود است.

در اجتماعی که اساس اخلاقی آن متزلزل و معیاس خوب و بد در آن مبهم باشد بالطبع این واقیعت در روحیه و حیات معنوی جوانان اثر سوء خواهد داشت بخصوص هنگامیکه قاطبه رهبران و زعمای قوم خود مظهر این تزلزل و فساد اخلاقی باشند.

در کشوری چون ایران که در آن فساد و رسوائی دزدی و ارتشاه و تملق و زور گوئی عادت ثانوی عناصر حاکمه شده است، در کشوری که دزدان بیت المال خود را سردار ملی میخوانند، در کشوری که ریاکاری و چاپلوسی وسیله تحبیب و تقرب، ارتشاء و تطمیع باعث گشایش کارها و رفع مشکلات و پابند بازی و غرض ورزی موجب پیشرفت و ترقی است، در کشوری که افراد امین و درستکار کلاهشان پس معرکه است نسل جوان نمیتواند نسبت باین جریانات بی اعتنا بماند. یا بآن تاسی میجوید که در آن صورت دچار همان فساد و تزلزل اخلاقی خواهد شد و یا از آن عاصی میشود که در آن صورت تا مدتی بچستجوی اصول اخلاقی مناسبی سرگشته و حیران میماند.

آنچه مسلم است اینست که طبقه جوان و تحصیل کرده دیگر حاضر بقبول شاخ و برگهای خرافاتی و تابعیت کورکورانه از اصول اخلاقی قدیمی و پیوسیده به نحوی که بعضی از رهبران جاهل و متمصب امروز آنرا تعلیم و ترویج میدهند نیست آتش جهنم و میوه بهشتی نیز او را بر رعایت آن اصول ترغیب نخواهد نمود، نه اصول اخلاقی قدیمی آمیخته با خرافات و تعصبات مذهبی قادر است که برای طبقه جوان و تحصیل کرده راهنمای اخلاقی خوبی باشد و نه وضع منشوش اجتماع امروزی مامکن میسازد که یک سیستم اخلاقی صحیح متکی بر بهترین و ارزنده ترین سنن ایرانی و تعلیمات اسلامی و فرضیه ها و مفاهیم جدید به نسل جوان عرضه گردد.

شک نیست که تضاد اخلاقی موجود اصطکاک آیده آلیسم جوانی با فساد و تزلزل اخلاقی عناصر مقتدر و جا افتاده حاکمه با تضادهای سیاسی و اقتصادی که در بالا بآن اشاره شد ارتباط نزدیک دارد و بدون حل مشکلات سیاسی و اقتصادی بحران اخلاقی و آشفتهگی و سرگشتگی نسل جوان همچنین ادامه خواهد داشت و مشکل دانشجو و دانش آموز در چهارچوب فعلی لاینحل خواهد ماند.

## چهاردهم مرداد

دیكتاتور نمیتواند آزادی مردم را تحمل کند و اعتقاد از ظلم و ستمی را که بر مردمان روا می‌دارد بشنود. در شصت سال پیش مردم ایران بدین نکته توجه کردند و انقلاب عظیم و بانمیر مشروطیت را پی ریزی نمودند.

ملت ما با تقاضای تاسیس عدالتخانه کلمبارزه را بطوری گیر آغاز کرده و تا حق خود را از حاکمان خود کامه نگرفت از پای نشست.

قانون اساسی و متمم آن خونهای فداکاریها و رادمردیهاست یادگار روشن ینبی و اندیشه مردمی است که با همه کوششی که در بی اطلاع نگه داشتن آنان بکار میرفت، راه چاره را دریافتند و مردانه بپا خاستند.

شاید در مقام مقایسه با قوانین اساسی دیگر کشورها بتوان گفت قانون اساسی ایران دارای نقائصی است اما منکر نمیتوان شد که همین قانون اساسی تا حدود زیادی حقوق ملت ایران را تامین کرده است و نیز راه را بر خود کامگی و اعمال خلاف رویه کسانی که بر مردم حکومت می‌کنند بسته است.

افسوس که قانون اساسی ایران از روزهای نخست مورد بی حرمتی قرار گرفت و آشکارا اصول اصیل و اساسی آن نقض گردید. درینا که فرزندان ستارخان و باقرخان نیز کم و بیش از راه پر افتخار پدران خویش کناره گرفتند و بنظراره قانون شکنی‌ها پرداختند. و اینک سالهاست که حاکمان تبهکار خود کامه هر روز ببهانه‌ای میراث گرانیهای ملت ما را باز بیجه گرفته اند و با کمال تاسف درین اواخر ظواهر کار را نیز رعایت نمی‌کنند.

بی هیچ تردید وبدون هیچ گفتگو و مجامله اعلام می‌کنیم که ما طرفدار استقرار حکومت قانونی هستیم، حکومت قانونی نیز حکومتی را می‌شناسیم که بر طبق موازین قانون اساسی عمل کند و اصول این قانون را مقدس و محترم شمارد. حکومت یا حکومتها و فرد یا افرادی را که خود کامگی پیشه کنند و اصول قانون اساسی را نقض کنند یا بی‌شناسیم و در حدود قدرت و توانائی خود با آنها مبارزه خواهیم کرد.

مشروطیت ما یادگار پدران بزرگوار و جوان مرد و آزاده ماست، ما شرم خواهیم داشت از کسان مشروطیت مادر حال حاضر در چنین وضع توهین آمیزی قرار دارد. در آستانه جشن مشروطیت بازم مجلس شورای ملی، رکن اصلی و اساسی مشروطه در حال تعطیل است.

مدت مدیدی است که مملکت برخلاف موازین قانونی با تصویب نامه‌هایی که هیچگونه ارزشی ندارد اداره میشود.

بسیاری از کارها نیز بعلت عدم وجود مجلس فلج شده است و در صورتی هم که عملی در این زمینه‌ها صورت پذیرد برخلاف قانون است و ازین قبیل میباشد.

تصویب نامه‌هایی که رسیدگی و مذاقه در باره متن و محتوی آنها در صلاحیت مجلس شورای ملی است این چنین تصویب نامه‌ها رسمیت نداشته و تصویب کنندگان و مجریان آن نقض کنند قانون هستند و بر طبق ماده ۸۲ قانون مجازات عمومی قابل تعقیبند هم چنین هر گونه تغییر و تبدیل در قوانین مالیاتی تنها در صلاحیت مجلس شورای ملی است و تصمیماتی که بر طبق تصویب نامه درین باره اتخاذ شود قانونی نمی‌باشد و بالاخره هر گونه استغراض داخلی و خارجی

## تعطیل دانشگاه

نوشته شده بود و در قسمتهای مختلف دانشگاه نصب شده بود عملاً تعطیل دانشگاه را تسریع کرد دولت با قرارداد پلیس در مقابل درهای دانشگاه و ممانعت از ورود دانشجویان بجای تعطیل دانشگاه را بست. بستن دانشگاه برای پنجمین بار در مقابل طرح نام مصدق و نفت اندازه هراس و وحشت دستگاه پوسیده کودتارا از نام مصدق و مسئله نفت پنهانی نشان میداد، و نشان میداد که هیئت حاکمه چگونه در مقابل طرح این مسائل با شدت و خشونت عکس العمل نشان میدهد. بستن دانشگاه یکبار دیگر نفرت و انزجار ملت را علیه متجاوزین بحقوق ملت برانگیخت و یکبار دیگر هیئت حاکمه فاسد را رسواتر کرد ولی حقیقت اینست که کودتاچیان چه بخواهند و چه نخواهند نهضت ملی ما راه خود را یافته است و مردم ما درستگر پر افتخار جبهه ملی ایران علیه ظلم و ستمگری مبارزه خواهند نمود و با بستن دانشگاه و بخون کشیدن دانشجویان نمیتوانند پرده بر روی حقایق بکشند و نهضت را به خیال خود از حرکت بازدارند.

دستگاه پوسیده حاکمه و امثال آنها قادر نخواهند بود که از حرکت این چرخ عظیم جلوگیری کنند.

ما یکبار دیگر اعلام میکنیم که دانشجویان دانشگاه تهران در صفوف جبهه ملی ایران آماده و مصمم هر نوع فداکاری در راه ملت هستند و هیچ چیز مانع از این حرکت بزرگ آنها نیست و نخواهد بود.

که بتصویب مجلس نرسیده باشد کان لم یکن است ملاحظه میشود که اگر جبهه ملی ایران نخستین روز خیمه شب بازی دموکراسی بدون وجود مجلس و اصلاحات اساسی در زیر لوای لیبرالیسم لفظی یا دیکتاتوری عملی خواستار شروع انتخابات و تشکیل مجلس بوده و هست.

دلیلی جز این ندارد که بدون وجود مجلس کارها از صورت قانونی بدر می‌رود و اندک و اندک سنگ روی سنگ بند نخواهد شد.

مدعیان اصلاحات از صدر تا ذیل یا خود معتقد و نیز مستظهر بقانون اساسی هستند و با آنکه یکسره منکر آندند اگر حکومت آنان وجود محدود و شئونات و دور باش و کور باشی که برای آنان و بخاطر آنان گفته میشود بر اساس قانون اساسی استوار است که باید به مقتضیات و لوازم این قانون عمل کنند و اگر خود را از قید و بند این قانون آزاده احساس می‌کنند مبارزه‌ای که جبهه ملی برای استقرار حکومت قانونی در پیش گرفته اجبار علیه آنان نیز خواهد بود و جبهه ملی را درین مبارزه گزیر و گزیری نیست این مبارزه با وجود شرافتی که باز گفتم اجتناب نا پذیر است. راه آشتی تنها در یک صورت وجود دارد و آن تسلیم به مقررات و موازین قانونی است و پس در غیر این صورت یکی از دو گروه درین مبارزه باید از میان برود و تاریخ نشان داده است که گروهی که از میان می‌رود ملت نیست، حاکمان تبهکار و نقض کنندگان حقوق اساسی بشرند. همانطور که دیکتاتورهای قدیم و مستبدان زمان مشروطه و عدنان مندرسه‌های قرن بیستم از میان رفتند.

چون نشریه ما بعلت تضییقات دستگاه استبدادی در ۲۹ خرداد منتشر نشد این قسمت از شماره مخصوص ۲۹ خرداد که حاوی قسمتی از آخرین دفاع دکتر مصدق در دادگاه فرمایشی سلطنت آباد است در اینجا نقل میشود

## گناه من و گناه بزرگ من

«بمنظور هدایت نسل جوان میخواهم از روی یک حقیقتی پرده برگیرم و آن این است که در طول تاریخ مشروطیت ایران این اولین بار است که یک نخست وزیر قانونی مملکت را بحبس و بند میکشند و روی کرسی اتهامی نشانند.

برای شخص من خوب روشن است که چرا اینطور شده ولی میخواهم طبقه جوان مملکت که چشم و چراغ و مایه امید مملکت هستند علت این سختگیری پوشد عمل را بدانند و از راهیکه برای طرد نفوذ استعماری بیکانگان پیش گرفته اند منحرف نشوند و از مشکلاتی که در پیش دارند هیچوقت نهراسند و از راه حق و حقیقت باز نمانند. بمن گناهان زیادی نسبت دادند ولی من خود میدانم که یک گناه بیشتر ندارم و آن اینست که تسلیم خارجیا نشده دست آنها را از منابع طبیعی ایران کوتاه کردم و در تمام مدت زمامداری در سیاست خارجی خود یک هدف داشتم و آن این بود که ملت ایران بر مقدرات خود مسلط شود»

\*

در مورد نفت سه موضوع مورد توجه است

۱- اگر دولت ما میتواند موضوع نفت را با آخر برساند برای سایر کشورها که از نفت ملل کوچک استفاده میکنند ضرر داشت

۲- از نظر سوق العیشی بلوک غربی میل داشتند ایران جزء آنها باشد و حال آنکه صلاح مادر بیطرفی است.

۳- تجدید روابط منوط بخرم شبکه نفت باید باشد. پس تمام اینها ایجاب میکرد که دولت اینجانب سقوط کند...

تنها گناه من و گناه بزرگ من اینست که صنعت نفت ایران را ملی کرده ام و بساط استعمار و اعمال نفوذ سیاسی و اقتصادی عظیم ترین امپراطوری جهان را از این مملکت بر چیده ام

عمر من و شما و هر کسی چند صباحی دیر یازود پایان میرسد ولی آنچه میماند حیات و سرفرازی یک ملت مظلوم و ستمدیده است و پس

چون از مقدمات کار و جریان دادرسی معلوم است که در گوشه زندان خواهی مردم و این صدا و این حرارت را که همیشه در خیر مردم بکار برده ام خاموش خواهند کرد و چون دیگر جز در این لحظه نمیتوانم لحظه دیگری با هموطنان عزیز صحبت کنم بدین وسیله از مردوزن تودیع و تاکید و تأیید میکنم که در راه پرافتخاری که قدم گذاشته اند از هیچ حادثه‌ای نهراسند»

# علی رغم هیئت حاکمه مز دور ملت ما دولت موقت

## الجزایر را بر سمیت می شناسد